

گزارش ویژه مرکز تحقیقات کنگره آمریکا

با پایان جنگ جهانی دوم و برای نخستین بار در تاریخ جهان آمریکا به مثابه ابرقدرتی بر سراسر جهان سیطره‌ای بلامنازع یافت. بعدها و به تدریج اتحاد شوروی با دست یازیدن به سلاح گرما هسته‌ای و گرویدن به رقابت تسلیحاتی با آمریکا، اصطلاحاً دومین ابرقدرت دنیا لقب گرفت. نظام تک قطبی به نظام دو قطبی تبدیل گردید و تضاد، بین این دو قطب نقشی تعیین‌کننده بر زندگی بین‌المللی گذارد. با فروپاشی شوروی و پیشی گرفتن آلمان و ژاپن در عرصه اقتصاد از آمریکا، نظام جهانی دو قطبی به نظامی چند قطبی مبدل گردید. در این عرصه کشورهای پیرامونی نیز در تلاشند تا نقشی اساسی و متفاوت با گذشته در نظام جهانی برای خود دست و پا نمایند. چاپ گزارش ویژه مرکز تحقیقات کنگره آمریکا را به این نیت در مجله پیش برده‌ایم تا گواهی باشد بر سیاستهای استکباری آمریکا، و نیز رها شدن سیاست «موازنه قوا» از سوی جریان به اصطلاح «عمل‌گرا»، که بعد از جنگ جهانی دوم و با تدوین طرح مارشال سیاست ملی و جهانی خود را براساس آن تدوین می‌نموده است.

ممانعت از تاراج سرزمین مسلمانان به دلیل استمرار حضور اسرائیل می‌داند. اختلافات بین ایران و آمریکا موجب شد تا کابینه کلینتون حتی بیش از کابینه‌های ریگان و بوش به مقابله با ایران بپردازد. کابینه ریگان برای تعدیل رفتار ایران در جستجوی ایرانی‌های میانه، برآمده بود، ولی سیاست او به قضیه ایران - کنتررا انجامید. بوش نیز آغاز ریاست جمهوری خود اعلام کرد که حسن نیت، حسن نیت می‌آورد. به عبارت دیگر، اگر ایرانی‌ها به آزادی گروگانها در لبنان کمک کنند، از کمک متقابل آمریکا برخوردار خواهند شد. اما برعکس کابینه گذشته، وارن کریستوفر، وزیر امور خارجه جدید آمریکا نماینده این کشور در مذاکرات ۱۹۸۱ گروگانهای آمریکایی در ایران بود، در آغاز کار دولت کلینتون از ایران به عنوان کشوری «متمرد» درخور مهار و انزوا نام برد کریستوفر همچنین پس از انفجار مرز یهودیان آرژانتین (ژوئیه ۱۹۹۴)، ایران را محکوم کرد. رابرت پاولز معاون وزیر امور خارجه نیز در دیدار خود از خلیج فارس (ژوئیه ۱۹۹۴)، اعلام کرد که سیاست آمریکا در قبال ایران، مهار این کشور استفاده از ابزارهای مؤثر و ملاً تغییر رفتار آن است ناگفته نماند دولت کلینتون مهار ایران را در چارچوب سیاسی وسیع‌تری قرار داد که هدف آن ممانعت از تقویت ایران و عراق به طور همزمان است. ۱۹ مه ۱۹۹۳، مارتین ایندایک، در اظهارات خود خطاب به اعضای شورای امنیت ملی آمریکا از سیاست کابینه کلینتون در قبال ایران عراق با عنوان جدید «مهار دو جانبه» یاد کرد.

ریشه‌یابی سیاست مهار دو جانبه

۱ - ایجاد توازن بین دو قدرت خلیج فارس

سیاست مهار دو جانبه دولت کلینتون در قبال ایران و عراق چرخش بسیار سریعی را در مقایسه با سیاست دولتهای گذشته نشان می‌دهد که بر حفظ توازن قدرت بین ایران و عراق از طریق جانبدارانه متناوب از یکی علیه دیگری استوار است. سیاست «حفظ توازن» واشنگتن در منطقه خلیج فارس، حدود ۲۰ سال قبل و پس از خروج بریتانیا از منطقه و قبول مسئولیت دفاع از منافع غرب از سوی آمریکا

ایالات متحده آمریکا و ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران حاکمیت شاه با هم متحد بودند. اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگانگیری ۵۲ آمریکایی روابط دو کشور تیره شد. مارتین ایندایک، مشاور شورای امنیت ملی آمریکا در امور خاورمیانه، در ۲۴ فوریه ۱۹۹۴ در سمپوزیوم شورای سیاست‌گذاری خاورمیانه، اختلافات موجود بین ایران و آمریکا را در ۵ مورد طبقه‌بندی کرد که عبارت است از:

- ۱ - کوشش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای و دیگر تسلیحات کشتار جمعی؛
- ۲ - دستیابی ایران به سلاحهای متعارف بالقوه خطرناک؛
- ۳ - ترغیب تروریسم و قتل مخالفان خود در سراسر جهان؛
- ۴ - تلاشهای ایران برای تضعیف روند مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، بویژه از طریق حمایت از گروههایی که برای شکست مذاکرات به خشونت متوسل می‌شوند؛
- ۵ - برنامه‌های ایران برای سرنگونی متحدان آمریکا در منطقه.

علاوه بر موارد فوق، کابینه و اعضای کنگره آمریکا نسبت به نقض حقوق بشر در ایران و تمدید حکم قتل سلمان رشدی نگران هستند. البته، عده‌ای از کارشناسان دولت کلینتون و تعدادی از کارشناسان غیردولتی که تهدید بالقوه ناشی از ایران را رویه کاهش می‌بینند، معتقدند که ایران به دلیل درگیری جناحهای داخلی، وامهای عقب‌افتاده و سقوط قیمت نفت که روند تقویت قدرت نظامی این کشور را کند کرده، حتی برخی از قراردادهای تسلیحاتی ایران را به دلیل مشکلات مالی به حال تعلیق درآورده، آرام‌تر شده است. در مقابل نظرات فوق گروهی دیگر اظهار می‌دارند که مواضع و رفتار بین‌المللی ایران در واقع پاسخ به دشمنی آمریکا با ایران و اسلام است. بعلاوه، ایران اصول سیاست خارجی و خریدهای نظامی خود را در راستای حراست از انقلاب، نیازهای دفاعی و مقابله با دشمنان اطراف خویش از جمله اسرائیل و عربستان سعودی که از حمایت آمریکا برخوردارند، توجیه می‌کند. همچنین ایران کمک خود به گروههای مخالف صلح اعراب و اسرائیل را به عنوان تلاشی برای

از شد. بین ۱۹۷۹ - ۱۹۷۱ آمریکا تلاش کرد تا از ایران تحت رهبری شاه عربستان سعودی به عنوان دو ستون حفاظت از منافع غرب استفاده کند. سیاست تقویت شاه جهت مقابله با ظهور حزب بعث در عراق اجرا می شد. حکومت بعث به سمت مسکو گرایش پیدا کرده بود ضمن برخورداری از حمایت سیاسی شوروی به تجهیزات نظامی ساخت این کشور نیز مجهز می شد.

ارتباط عراق و شوروی با انعقاد پیمان دوستی بین دو کشور در اوت ۱۹۷۲ تحکیم یافت. یک ماه پس از انعقاد پیمان فوق، ریچارد نیکسون، رئیس جمهور وقت آمریکا، به همراه هنری کیسینجر مشاور امنیت ملی خود، ضمن دیدار از تهران، قرارداد کمک به ایران به کشورهای عراق را به عنوان اهرمهایی برای اعمال فشار به حکومت بعث منعقد ساختند. امضای این قراردادها، به انعقاد پیمان ایران و عراق جهت حل مشکلات مرزی بین دو کشور و نیز انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر انجامید و موجب شد تا عراق در روابط سیاسی خود با مسکو فاصله مشخصی را رعایت کند و از تلاشهای خود برای بازسازی شیوخ منطقه بکاهد، سیاست آمریکا در منطقه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۷۹ با شکست مواجه شد با سقوط شاه در ایران، آمریکا به سوی عراق روی آورد. دولت ریگان، به رغم وعده حفظ بیطرفی در جنگ ایران و عراق در ۱۹۸۲ عراق را از فهرست تروریستهای بین المللی حذف کرد و اجازه داد جهت صادرات به عراق گشایش اعتبار شود. سرانجام نیز در ۱۹۸۸ روابط سیاسی آمریکا با عراق بار دیگر از سر گرفته شد. بعلاوه، آمریکا سعی نمود تا دیگر کشورها را از فروش تسلیحات به ایران بازدارد. در ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، آمریکا با نصب پرچم خود بر نفتکشهای کویتی مانع حملات ایران به آنها شد و بدین ترتیب از نظر ایران و برخی تحلیلگران بین المللی آمریکا عملاً به جانبداری از عراق در جنگ ایران و عراق پرداخت سیاست آمریکا موجب شد تا عراق در جنگ ایران از وضعیتی بهتر برخوردار شود و با شکست ایران در جنگ، تب انقلابی در کشور سرد و نقش آن به عنوان پیشرو جنبشهای رادیکال در اورمیانه تضعیف گردد. متأسفانه، برهم خوردن موازنه قدرت بین ایران و عراق موجب شد تا صدام به کویت حمله کند و آمریکا را به بحث دخالت نظامی در این منطقه برای آزادی کویت و برقراری مجدد توازن قدرت بکشاند.

سیاست مهار دو جانبه و منتقدانش

دولت کلینتون با استناد به عدم تأثیر سیاست مهار ایران یا عراق طرف حمایت یکی علیه دیگری، سیاست جدید «مهار دو جانبه» را عنوان تلاشی برای ضعیف نگاه داشتن دو کشور ایران و عراق مطرح ساخت در این سیاست هر دو کشور به عنوان دشمنان آمریکا تلقی شوند. مقامات دولت کلینتون اظهار می دارند که سیاست جدید به ای نادیده گرفتن ملاحظات قبلی دایر بر توازن قدرت نیست، بلکه هدف آن حفظ موازنه قدرت بین دو کشور در پایین ترین سطح توانایی است. سیاستمداران دولت کلینتون اعتقاد دارند که سابقه حمایت یکی از دو کشور ایران و عراق موجب عدم موازنه بروز بی ثباتی در منطقه خلیج فارس و در نهایت تغییر اوضاع و احوال در خلیج فارس

این امر، شرایط لازم را برای اجرای سیاست مهار دو جانبه فراهم کرد. بریزه که سقوط اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای ایران و عراق عنوان قدرتهای جایگزینی که می توانند در مقابل آمریکا قد علم کنند، مطرح ساخت. بعلاوه قابلیتهای نهان هر دو کشور بر اثر جنگ ایران و عراق تضعیف شد. عملیات «توفان صحرا» نیز در حدود

۶۰ درصد از توانایی عراق را نابود کرد و باقیمانده تسلیحات کشتار جمعی آن کشور تحت نظارت سازمان ملل درآمد. همچنین مقامات دولت کلینتون اضافه می کنند که مهار دو جانبه به معنای اعمال سیاست مشترک در قبال ایران و عراق نیست مهار عراق که از طریق اجرای مصوبات و تحریمهای دقیق سازمان ملل صورت می گیرد، همراه با سیاست آمریکا در قبال ایران ارکان سیاست مهار دو جانبه را تشکیل می دهد. چون ایران مشمول تحریمهای سازمان ملل نیست و هیچ نوع فشاری نیز برای اعمال تحریم از سوی سازمان ملل علیه این کشور صورت نمی گیرد، آمریکا برای مهار ایران باید خارج از چارچوب سازمان ملل و اغلب به صورت یک جانبه عمل کند.

همچنین سیاست گذاران کابینه کلینتون معتقدند که سیاست مهار ایران مؤثر بوده است. آنها ادعا می کنند که امروز ایران ضعیف تر و منزوی تر از زمانی است که کلینتون بر اریکه قدرت سوار شد. در هفتم ژوئیه ۱۹۹۴، یک مقام ارشد کاخ سفید در جمع خبرنگاران اعلام کرد که آمریکا هیچ نشانی دال بر تغییر نیت یا انگیزه های دولت ایران نمی بیند، بلکه در واقع توانایی ایران برای ایجاد مشکلات کاهش یافته است. مقام رسمی فوق و نیز دیگر مقامات آمریکایی اظهار می دارند که ارسال تجهیزات مهم نظامی به ایران از سوی صادرکنندگان عمده به دلیل کمبود توانایی ایران در تأمین ارز لازم کاهش یافته است. البته ممکن است برخی مشکلات ایران ناشی از کاهش قیمت نفت در اواخر ۱۹۹۳ و اوایل ۱۹۹۴، نه کارایی سیاست مهار دو جانبه باشد. از سوی دیگر، برخی از منتقدان سیاست مهار دو جانبه را به دلیل عدم کارایی و غیرواقع بینانه بودن آن مورد انتقاد قرار می دهند به گفته گری گوری گاس یکی از کارشناسان شورای روابط خارجی آمریکا: ضعف عمده منطقی سیاست مهار دو جانبه در این است که تصور می شود ایران و عراق را می توان به طور همزمان مهار کرد. «براساس ارزیابی گاس» نقاط ضعف هر یک از دو کشور فوق دخالتهای بی ثبات کننده ای را از سوی دیگری طلب می کند. اعمال تحریم اقتصادی تنها علیه یکی از دو کشور مشکل است. همچنین گاس اضافه می کند که مهم ترین پیامد بالقوه استراتژیک سیاست مهار دو جانبه این است که با طرد دو کشور این سیاست می تواند ایران و عراق را در ضديت با آمریکا به هم نزدیک تر سازد.

با توجه به شواهد موجود، گفتگوهای سیاسی بین این دو دشمن دیرینه یعنی ایران و عراق رو به افزایش است. پس از انجام گفتگوهای مکرر معاونان وزیر خارجه دو کشور در ۱۹۹۳ - ۱۹۹۲ وزیران خارجه ایران و عراق در حاشیه کنفرانس غیر متعهدها در مصر (ژوئن ۱۹۹۴) با هم ملاقات کردند. گاس و دیگر منتقدان ضمن انتقاد از سیاست مهار دو جانبه روند گفتگو با ایران و توجه به منافع مشروع این کشور را توصیه می کنند. تحلیلگران فوق در ترغیب انجام مذاکره با ایران اظهار می دارند که تهدید ناشی از ایران در حدی که کابینه کلینتون ادعا می کند نیست و می توان این تهدید را از طریق گفتگو برطرف کرد. البته، گاس در طرح خود برای گفتگو با ایران با فروش تسلیحات به این کشور یا تخفیف سیاست عدم گسترش تسلیحات هسته ای در مورد ایران مخالفت می کند. در ضمن، برخی از دیپلماتهای آمریکا عقیده دارند که تعدادی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هنوز سیاست سابق آمریکا در منطقه را که برقراری توازن قدرت بود، ادامه می دهند کشورهای عضو شورا معتقدند که در جنگ ایران و عراق بازی با یکی علیه دیگری به طور نسبی جنگ ایران و عراق را مهار کرد. سه عضو این شورا (قطر، بحرین و عمان) معتقدند که در حال حاضر توازن قدرت به نفع ایران برهم خورده است. این کشورها عموماً بر مبنای کمکهای انسان دوستانه، خواهان تخفیف تحریمهای

سازمان ملل علیه عراق هستند. بویژه اصرار ایران برای کنترل جزیره ابوموسی در خلیج فارس که براساس قرارداد ۱۹۷۱ تحت کنترل مشترک امارات عربی متحده و ایران قرار دارد، کشورهای عضو شورا را نسبت به خطرات بالقوه تجاوز ایران نگران ساخته است. همچنین برخی از منتقدان سیاست مهار دو جانبه معتقدند که حتی در داخل کابینه، بویژه بین شورای امنیت ملی و وزارت امور خارجه، نیز در خصوص این سیاست اختلاف نظر وجود دارد.

برخی از اعضای وزارت امور خارجه که احتمالاً نسبت به انتقاد به مفهوم مهار دو جانبه حساس هستند. ظاهراً مهار دو جانبه را به گونه‌ای متفاوت از آنتونی لیک و مارتین ایندایک تعبیر کرده‌اند. در پرسش و پاسخی که در ۲۳ جولای ۱۹۹۳، یعنی دو ماه پس از طرح سیاست مهار دو جانبه از سوی مارتین ایندایک در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان و با حضور ادوارد جرجیان معاون وزیر امور خارجه، برگزار شد. جرجیان در چند مورد از اینکه سیاست آمریکا در قبال ایران و عراق را سیاست مهار دو جانبه نامگذاری کند، اجتناب کرد. او خطاب به اعضای کمیسیون سیاست آمریکا را چرخش از حفظ توازن قدرت و تلاش برای تغییر رفتار ایران اعلام کرد. همچنین اضافه نمود که آمریکا در صدد سرنگونی دولت ایران نیست و آماده است که با نماینده رسمی ایران وارد مذاکره شود. به تازگی، اظهاراتی در سخنرانی‌ها و جلسات مختلف مجلس آمریکا مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آمریکا دشمن اسلام و بنیادگرایی اسلامی نیست، بلکه با تلاشهایی که برای تحمیل عقیده فوق انجام می‌گیرد، مخالف است. البته، آنتونی لیک و مارتین ایندایک ضمن تأکید بر مواضع فوق یک قدم فراتر رفته و اعلام کرده‌اند که آمریکا در پی ممانعت از ارسال تمام تجهیزات نظامی (غیرآمریکایی) به ایران نیز نیست. بعلاوه، مارتین ایندایک در فوریه سال ۱۹۹۴، ضمن اشاره به تصوراتی که در مورد اختلاف بین شورای امنیت ملی و وزارت امور خارجه وجود دارد، تأکید کرد که سیاست مهار دو جانبه با هماهنگی وزارت امور خارجه تنظیم شده و نمایانگر سیاست دولت در قبال ایران و عراق است.

سیاست مهار ایران در عمل

حتی پس از پالایش مفهوم اولیه سیاست مهار دو جانبه که در مه ۱۹۹۳ مارتین ایندایک ارائه کرد، به نظر می‌رسد که کابینه کلینتون بیشتر از کابینه‌های گذشته به اقدامات مهارکننده ایران توجه دارد و کمتر پذیرای بهبود روابط با ایران است. اجرای سیاست فوق در چند زمینه انجام می‌شود و بر مجموعه‌ای از تحریمهای اقتصادی اتحاد استراتژیک، آرایش نظامی و ابتکارات سیاسی چند جانبه مبتنی است. کنگره نیز با توجه به اینکه طرد افکار عمومی آمریکا، ایران گروگانگیری دیپلماتهای آمریکایی در تهران و عملیات تروریستی متعاقب آن را تداعی می‌کند، بکرات از حفظ موضع سرسختانه نسبت به جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده است.

در طول چند سال گذشته اعضای کنگره در پی تشدید تحریمهای آمریکا علیه ایران یا تحریم کشورهایی بوده‌اند که به ایران کمک می‌کنند. اقدامات کنگره علیه ایران عموماً از حمایت اعضای دو حزب آمریکا برخوردار بوده است. البته لازم به ذکر است اگر چه روابط آمریکا با ایران بسیار تیره می‌باشد ولی حالت بحرانی ندارد، مهم‌ترین مسئله‌ای که می‌تواند روابط دو کشور را بحرانی کند پیشرفت سریع برنامه‌های هسته‌ای ایران است.

اقدامات تروریستی ایران یا فعالیت‌های براندازی این کشور علیه متحدان آمریکا یا نیروهای نظامی این کشور در منطقه نیز احتمالاً

می‌تواند توجه عاجل دولت آمریکا را به ایران معطوف دارد. به عنوان مثال، اگر ثابت شود که ایران در انفجار مقر یهودیان در آرژانتین دست داشته است. احتمالاً می‌تواند به بروز بحران بین دو کشور بیانجامد. برنامه تحقیقات هسته‌ای ایران نیز موجبات نگرانی آمریکا را فراهم کرده، گرچه مقامات کابینه و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار داشته‌اند که در حال حاضر ایران به معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای پای بند است. بعلاوه محققان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ از تجهیزات اتمی ایران بازدید کردند. مدرکی دال بر ساخت بمب اتمی در ایران نیافتند. اما برخی از اعضای مجمع اطلاعاتی آمریکا با ارزیابی‌های فوق، مخالف بوده و معتقدند که ایران قادر است تحقیقات هسته‌ای صلح‌آمیز خود را به سرعت برنامه نظامی تغییر دهد.

اقدامات آمریکا در مهار ایران

۱- تحریمهای اقتصادی آمریکا علیه ایران

هدف اصلی از تحریمهای اقتصادی آمریکا علیه ایران ممانعت دسترسی این کشور به منابع مالی و تکنولوژی موردنیاز برای تقویت بنیه استراتژیک خویش است. همچنین آمریکا علاقه دارد که با تحریم اقتصادی ایران این پیام سیاسی را القا کند که خواهان انزوای این کشور است. با این امید که دیگر کشورها نیز از معامله و ارسال اسلحه به کشور اجتناب کنند. از نوامبر ۱۹۷۹، تحریمهای اقتصادی گسترده علیه ایران در جریان است. آمریکا براساس قرارداد الجزایر باید تحریمهای قبل از این قرارداد را لغو شده تلقی کند. کارتر در در ریاست جمهوری خود با صدور دستوراتی به این تعهدات عمل کرد. اما اقدامات بعدی ایران علیه آمریکا موجب شد هم کنگره و شخص رئیس جمهور بار دیگر تحریمها را تجدید کرده یا دامنه آنها را گسترش دهند تا جایی که در جهان امروز شدیدترین تحریمهای وسیله آمریکا علیه ایران اعمال می‌شود.

۲- ممنوعیت اعطای کمک و تخصیص اعتبار به ایران

ممنوعیت اعطای کمک و تخصیص اعتبار به ایران اساساً نتایج گنجاندن ایران در فهرست کشورهای تروریست است. براساس شواهد و قرائنی که بر دخالت ایران در انفجار مقر فرماندهی آمریکا در لبنان دلالت می‌کند، ایران در فهرست کشورهای تروریستی گرفته و مشمول محدودیت‌های اعتباری ملحوظ در لایحه ۱۱۱۱ مجلس آمریکا می‌شود. علاوه بر آن لوایح و دستورالعمل‌های دیگر محدودیت‌های مزبور را تشدید نموده است که از آن جمله می‌توان موارد زیر اشاره کرد.

(الف) در فوریه ۱۹۸۷، اعلام شد که به دلیل قصور ایران در مقابل قاچاق مواد مخدر تخصیص کمک و یا اعطای هرگونه وام چند جانبه به ایران ممنوع است. مقامات آمریکا نیز موظف‌اند با هرگونه کمک سازمانهای مالی بین‌المللی به ایران مخالفت کنند.

(ب) از ۱۹۸۸ کنگره آمریکا هر ساله هنگام تصویب بودجه با اشاره نام ایران بر ممنوعیت اعطای کمک مستقیم به این کشور تأکید می‌کند. در لایحه بودجه ۱۹۹۰ تخصیص اعتبار بانک صادرات و وارد اعتبار تضمینی و مشابه به آن نیز به ایران ممنوع اعلام شد.

(پ) از ۱۹۸۵ اعطای کمک مالی آمریکا به سازمان‌هایی که ایران مدعی است از آنها منتفع گردد ممنوع شده است.

(ت) کنگره آمریکا که با اعطای هرگونه کمک سازمان‌های بین‌المللی ایران مخالف است. مخالفت خود را در لایحه‌ای که در ۱۹۹۴ تصویب رسانده تشدید کرده است. در این لایحه با صراحت از کمک

آمریکا خواسته شده است که به هرگونه کمک سازمان‌های بین‌المللی
ایران رأی منفی دهد.

۳- کنترل صادرات به ایران

اعمال کنترل شدید صادرات به ایران مهم‌ترین تلاش آمریکا در
ساعت از پیشرفت برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران است. بجز چند
برود استثنایی در ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶، آمریکا از ارسال هرگونه اسلحه به
ایران اجتناب می‌کند. قرار گرفتن ایران در فهرست کشورهای حامی
تروریسم، خودبخود با ممنوعیت ارسال اسلحه به این کشور همراه
است. علاوه بر اینکه کنگره و دولت آمریکا به منظور اطمینان از کنترل
ارسال تجهیزات و منظوره به ایران، لوایح متعددی را به تصویب
رسانده‌اند. در حال حاضر، فهرست اقلام ممنوعه به کشورهای حامی
تروریسم از جمله ایران در دستور کار کمیته‌های مربوطه مجلس
آمریکا قرار دارد.

۴- کنترل واردات از ایران

ریگان در واکنش به حمله ایران به نفتکشهای کویته حامل پرچم
آمریکا، واردات کالاهای ایرانی به این کشور را در اکتبر ۱۹۸۷ ممنوع
اعلام کرد. هدف دولت ریگان این بود که با منصرف کردن مشتریان از
خرید نفت ایران حملات این کشور به نفتکشها را متوقف سازد البته،
ورود نشتیات و نیز آن دسته از فرآورده‌های نفتی که در کشور ثالث
شبه شده باشد، مستثناء شد. همچنین شرکت‌های آمریکایی
می‌توانستند از ایران نفت خریداری کنند و در کشور ثالث به فروش
رسانند. بعلاوه، در جریان مذاکرات دادگاه لاهه ورود برخی از کالاهای
ایرانی به آمریکا آزاد شد. همچنین برای حل مشکل تأمین بودجه لازم
برای حساب ویژه دادگاه لاهه، آمریکا موافقت کرد که شرکت‌های
آمریکایی در موارد خاصی از ایران نفت خریداری کنند، مشروط بر
آنکه بهای آن به حساب ویژه دادگاه لاهه واریز شود.

۵- سرمایه‌ها و املاک بلوکه شده ایران در آمریکا

ایران سعی دارد بهبود روابط خود با آمریکا را به آزادی
سرمایه‌های خود در این کشور منوط سازد. ایران مدعی است که در
مقابلت با قرارداد الجزایر، آمریکا سرمایه‌های ایران در آمریکا را آزاد
کرده است. آمریکا نیز پاسخ می‌دهد که سرمایه‌های ایران در جریان
دادگاه لاهه در دست بررسی طرفین است و در واقع امر، ایران فاقد
سرمایه بلوکه شده در آمریکا می‌باشد. البته، املاک سیاسی از این
فائده مستثناست. بعلاوه ایران موظف است بودجه حساب ویژه
دادگاه لاهه را در سطح معینی (۵۰۰ میلیون دلار) حفظ کند. تا نوامبر
۱۹۹۳ ایران در ۵۰ مورد از حفظ سطح تعیین شده قصور کرده است و
در ژوئن ۱۹۹۴ سرمایه ایران در حساب ویژه لاهه معادل ۲۱۲ میلیون
دلار بوده است. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی مدعی است که
آمریکا در قبال آزادی گروگانهای غربی از لبنان آزادی سرمایه‌های
ایران از آمریکا را وعده داده بود. ولی معاون وزیر امور خارجه آمریکا،
پولترو، در ۱۴ ژوئن ۱۹۹۴ خطاب به اعضای کمیسیون سیاست
خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، این ادعا را تکذیب کرد.

۶- اموال مربوط به نمایندگی‌های سیاسی ایران در آمریکا

آمریکا به منظور برخورداری از اهرم فشار علیه ایران هنوز بخشی
از اموال این کشور را در چارچوب قرارداد الجزایر آزاد نکرده است
دولت آمریکا اموالی به ارزش احتمالی ۲۲ میلیون دلار از اموال مربوط
به نمایندگی‌ها و دفاتر و حساب‌های بانکی مربوطه را در اختیار دارد.

البته، دولت آمریکا نسبت به مالکیت اموال ایران مخالفتی ندارد، اما
اقدام خود را به عنوان واکنشی نسبت به تصاحب اموال و دفاتر
سیاسی آمریکا در ایران می‌داند. آمریکا اموال مربوط به دفاتر سیاسی
را مشمول قرار دارد الجزایر و طرح آن در دادگاه لاهه نمی‌داند و ایران
نیز تهدید می‌کند که به دادگاه بین‌المللی شکایت خواهد کرد.

۷- اقلام نظامی ارسال نشده به ایران

اختلاف دیگری که بین دو کشور وجود دارد تجهیزات نظامی
است که حکومت شاه خریداری کرده و هزینه آن نیز پرداخت شده
بود، ولی به دولت انقلابی ایران تحویل نگردید برخی از این اقلام
عبارت‌اند از:

انواع مختلف تسلیحات و قطعات یدکی هلیکوپتر و غیره که بر اساس
انعقاد ۱۱۰ فقره قرارداد نظامی خریداری شده است. اقلام نظامی
ارسال نشده به ایران از آغاز انقلاب در چند انبار در آمریکا نگهداری
می‌شود ایران ارزش آنها را بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار برآورد می‌کند،
آمریکا اذعان دارد که نسبت به اقلام نظامی ارسال نشده به ایران
جبران خواهد کرد ولی تأکید دارد که میزان آنها بمراتب پایین‌تر از
مبلغی است که ایران ادعا می‌کند تخمین آمریکا بالغ بر ۱ تا ۳ میلیارد
دلار است این مسئله هم اکنون در دادگاه لاهه در دست بررسی است.

۸- اعتبار نامه بانکی

ایران همچنین مدعی است که مستحق دریافت مابه‌ازای اعتبار
نامه‌هایی است که بانکهای آمریکایی به منظور تضمین حسن انجام
کار شرکت‌های آمریکایی در معامله با ایران سپرده‌اند چنین تضمین‌های
اجرایی عموماً به عنوان اعتبارهای معوقه صادر شده است. آمریکا در
پاسخ به ادعای ایران اظهار می‌دارد که چنین وجوهی در صورت رأی
مثبت دادگاه لاهه به نفع ایران پرداخت خواهد شد علاوه براینکه
میزان آن بسیار ناچیز است

همکاری‌های چندجانبه برای اجرای طرح تحریم ایران

به دلیل فقدان قطعنامه‌های سازمان ملل جهت تحریم ایران،
موفقیت آمریکا در اجرای تحریم علیه ایران به همکاری متحدان
آمریکا در اروپا، ژاپن و دیگر کشورها بستگی دارد. اما برخوردهای
مختلف کشورهای فوق نسبت به ایران بدون شک باعث کاهش تأثیر
تحریم‌های آمریکا در تعدیل رفتار ایران شده است به طور کلی
متحدان آمریکا معتقدند که تجارت و تماس با ایران به دلیل نشان
دادن منافع موجود در جامعه بین‌المللی موجب می‌شود تا این کشور
رفتار خود را تعدیل کند. در واقع، تجارت و تماس با ایران بیش از
انزوای این کشور مؤثر است. آنها استدلال می‌کنند که بهبود وضع
اقتصادی ایران موجب می‌شود تا حجت‌الاسلام رفسنجانی که رئیس
جمهوری عمل‌گراست، در مقابل افراطی‌ها که حامی سیاست ضد
عربی هستند. تقویت گردد. متحدان آمریکا همچنین در مقابل
فشارهای آمریکا استدلال می‌کنند که تجارت آمریکا در حال حاضر
بیش از دیگر کشورها با ایران است. بعلاوه، متحدان آمریکا منافع
اقتصادی دراز مدت تجارت با ایران و ۶۰ میلیون جمعیت آن را در
نظر می‌گیرند و خواهان تضمین دریافت طلب‌های معوقه خود در ایران
هستند.

کابینه کلینتون سعی کرده است تا وجوه مشترکی را با متحدان
خود در قبال سیاست ایران پیدا کند. در اجلاس ژوئن ۱۹۹۳ وزیران
خارجیه جامعه اروپا و کانادا، وزیر امور خارجه آمریکا موفق شد تا
موافقت اعضا را برای تشکیل کمیته کاری ویژه‌ای برای بررسی مسائل

ایران جلب کند. آمریکا همچنین تلاش همزمانی را با ژاپن آغاز کرد هدفهای آمریکا در کمیته کاری عبارت بود از:

ترغیب متحدان به توقف ارسال اسلحه و تجهیزات دو منظوره به ایران، خودداری و زمان‌بندی جدید بدهیهای ایران و پرهیز از گشایش اعتبارات جدید برای این کشور و مخالفت با اعطای وام به ایران از سوی سازمانهای بانکهای بین‌المللی. همچنین آمریکا تلاش کرد ژاپن را وا دارد تا پرداخت وام ۱/۴ میلیارد دلاری برای برنامه توسعه در ایران را متوقف کند. کابینه کلینتون اظهار می‌دارد که به دنبال قطع روابط تجاری متحدان با ایران نیست، بلکه تلاش می‌کند تا آنها عادی کردن روابط تجاری خود با ایران را به تعدیل رفتار این کشور مشروط سازند. دیپلماتهایی که در جلسات اخیر کمیته کاری جامعه اروپا شرکت داشته باشند، اظهار می‌کنند که جلسات این کمیته بیشتر شبیه جلساتی است که در آن در خصوص چگونگی تغییر رفتار ایران تبادل نظر می‌گردد و کمتر به سیاست‌گذاری پرداخته می‌شود. نتیجه تلاش آمریکا برای بسیج متحدان خود در حمایت از سیاستهایش در قبال ایران چندگونه بوده است. به رغم مخالفت آمریکا متحدان این کشور با پرداخت ۴۶۳ میلیون دلار وام بانک جهانی به ایران موافقت کردند اما بر اثر فشارهای آمریکا از پرداخت وام جدید به ایران که ظاهراً مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار است، اجتناب ورزیده‌اند. در بیانیه نهایی دو اجلاس اخیر هفت کشور صنعتی جهان، رفتار ایران مورد انتقاد قرار گرفت. هر چند لحن هر دو بیانیه بسیار ملایم‌تر از آن چیزی است که آمریکا در صدد گنجانیدنش در بیانیه بود. بعلاوه مشکلات ایران در باز پرداخت بدهی‌های خود و نیز تبلیغات آمریکا مبنی بر بدحسابی و نمرد ایران از قوانین بین‌المللی موجب شده است که متحدان آمریکا وام جدیدی به ایران اعطا نکنند به هر تقدیر، به رغم مخالفت آمریکا، متحدان این کشور با زمان‌بندی مبلغ ۱۰ میلیارد بدهی ایران موافقت کرده‌اند از نظر متحدان آمریکا، عدم موافقت با زمان‌بندی جدید بدهی‌های ایران احتمالاً به خودداری ایران از پرداخت بدهی‌هایش می‌انجامد. آمریکا تاکنون نتوانسته است نظر تمام متحدان خود را برای توقف ارسال تجهیزات دو منظوره به ایران جلب کند. البته، تمام متحدان موافقت کرده‌اند که کاربرد اقلام ارسالی به ایران را مورد مطالعه قرار دهند. آلمان و ژاپن با نظر آمریکا مخالفت می‌کنند؛ زیرا معتقدند فهرست اقلام مورد تحریم آمریکا بقدری گسترده است که حتی اقلامی را که کاربرد بی‌ضرر و غیر نظامی دارد نیز در بر می‌گیرد.

روسیه

در حال حاضر، روسیه عمده‌ترین منبع تأمین‌کننده اسلحه ایران است کابینه کلینتون سعی دارد تا روسیه را از فروش اسلحه به ایران منصرف کند. کابینه آمریکا بویژه نسبت به فروش جنگنده‌های پیشرفته، تانک و زیر دریایی روسی به ایران نگران است. کلینتون در دیدارهای خود با پلتسین در ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ مسئله فروش تسلیحات فوق به ایران را مطرح ساخت.

البته، رئیس‌جمهور روسیه هیچ وعده‌ای برای خاتمه بخشیدن به معاملات تسلیحاتی خود با ایران نداده است. در اواخر ۱۹۹۳، کنگره آمریکا، ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به معاملات تسلیحاتی روسیه با ایران، با تصویب لایحه‌ای اعلام کرد که آن دسته از کشورهایی که ابزار کشتار به کشورهای تروریستی صادر می‌کنند، از دریافت کمک آمریکا محروم می‌شوند؛ البته رئیس‌جمهور در صورت صلاحدید می‌تواند این ممنوعیت را نادیده بگیرد به هر تقدیر هم اکنون، کمیسیون تخصیص اعتبارات کنگره روابط تسلیحاتی ایران و روسیه را در دست بررسی دارد. کابینه و کنگره هر دو احساس می‌کنند که موضع

روسیه نسبت به فروش تسلیحات به ایران در واقع تلاشی بین‌المللی برای کنترل ارسال تسلیحات به کشورهای حامی تروریسم را تهدید می‌کند به هر حال، پلتسین و کلینتون در پایان اجلاس گروه ۷ در یک مصاحبه مطبوعاتی مشترک مسئله فوق را مورد توجه قرار دادند پلتسین اعلام کرد که روسیه مقررات مربوط به کنترل فروش تسلیحات به کشورهای تروریست را مورد مطالعه قرار خواهد داد. کنگره و کابینه همچنین در خصوص شایعات مربوط به معاملات تسلیحاتی ایران با اوکراین نگران است البته اوکراین این مسئله را نفی کرده و ادعا می‌کند که معاملات این کشور با ایران به فروش قطعات بدکی محدود می‌شود.

ترغیب صلح منطقه‌ای

کابینه کلینتون تحقق صلح اعراب و اسرائیل را عامل مهمی در مقابله با ماجراجویی ایران می‌بیند. به اعتقاد آمریکا، تحقق یک صلح جامع گروه‌های رادیکال اسلامی از جمله گروه‌های مورد حمایت ایران را تضعیف خواهد کرد.

کابینه کلینتون در اثبات ادعای خود اظهار می‌دارد که ایران به رغم مخالفت شدید خود، هنوز مخالفت عملی با صلح نکرده است. کابینه همچنین امیدوار است که برقراری صلح بین اسرائیل و سوریه اتحاد ضمنی ایران و سوریه را بر هم زند. در حال حاضر، سوریه حضور نیروی سپاه در لبنان که منبع تغذیه تسلیحاتی و آموزشی حزب‌الله لبنان است را از طریق فرودگاه دمشق تغذیه می‌کند بعلاوه، کابینه معتقد است که تحکیم صلح بین فلسطین و اسرائیل می‌تواند گروه‌های فلسطینی حماس و جهاد اسلامی را تضعیف کند، برخی از هزینه‌های این دو گروه را ایران تأمین می‌کند.

اقدامات نظامی آمریکا

در طرحی که به تازگی فرماندهی مرکزی نیروهای آمریکا در مورد آرایش نیروهای نظامی این کشور تهیه کرده نسبت به برنامه‌های تقویت بنیه نظامی ایران ابراز نگرانی شده است. تقویت فزاینده نیروی دریایی ایران بویژه موجبات نگرانی وزارت دفاع آمریکا را فراهم ساخته است. ایران در مراحل پایانی جنگ ایران و عراق، توانست از نیروی دریایی خود برای حمله به کشتی‌های بازربری و نیروهای دریایی آمریکا در منطقه استفاده کند. مقامات دفاعی آمریکا معتقدند که ایران با داشتن زیردریایی‌های روسی قادر است تمام خطوط کشتیرانی خلیج فارس را تحت پوشش قرار دهد هدف اصلی نیروهای آمریکایی در منطقه که در حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر هستند، جلوگیری از ظهور مجدد عراق و حسن اجرای تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق است. البته مقامات پنتاگون اظهار می‌دارند که نیروهای آمریکا در منطقه در صورت ضرورت می‌توانند علیه ایران نیز به کار گرفته شوند. در چند مورد نیز آمریکانشان داده است که می‌تواند از سکوها کشتی برای حمله به هدفهای خود را در خلیج فارس استفاده کند. آمریکا مطمئن است که می‌تواند تهدیدات ناشی از نیروی دریایی ایران را به حداقل رساند. قبل از اعزام زیر دریایی‌های روسی به ایران در ۱۹۹۲ آمریکا با اعزام نیروی دریایی خود به منطقه خلیج فارس، وضعیت آب‌هایی را که نیروهای ایران در آن فعالیت می‌کنند بررسی کرده است. بعلاوه آمریکا در کنار آرایش نیروهای نظامی خود در تلاش تبیین سیاستها و تجهیزات لازم برای مقابله با تسلیحات کشتار جمعی ایران و دیگر دشمنان بالقوه است بدین منظور در وزارت دفاع آمریکا اداره‌ای تحت عنوان مقاله با گسترش تسلیحات کشتار جمعی تشکیل شده که هدف آن برنامه‌ریزی برای

بوالهی است که تلاشهای سیاسی آمریکا برای مقابله با گسترش سلاحهای کشتار جمعی با شکست مواجه شود این مسئله را لس اسپن وزیر دفاع سابق کابینه کلینتون، فاش ساخت. تقویت اطلاعات موجود در خصوص سلاحهای کشتار جمعی دشمن، ساخت موشکهای مناسب برای مقابله و انهدام آنها قبل از اصابت به هدف از جمله عناصر تشکیل دهنده طرح پنتاگون برای مقابله با تسلیحات کشتار جمعی است کابینه سعی دارد همکاری دیگر کشورهای غربی را برای اجرای طرح پنتاگون جلب کند.

ایجاد اتحاد استراتژیک

کابینه کلینتون به منظور مهار ایران در پی ایجاد اتحاد استراتژیک منطقه‌ای است، همان طور که تلاش می‌کند تا موافقت متحدان اروپایی و ژاپن را برای اعمال تحریم علیه ایران جلب کند. مارتین لئندیک اعلام کرده است: آمریکا سعی دارد حمایت و دوستی کشورهای مهم منطقه (مصر - ترکیه، اسرائیل، عربستان سعودی) را برای ایجاد یک توازن گسترده قدرت در منطقه جلب کند. رابرت بوستر و نیز در جریان دیدار خود از منطقه در مه ۱۹۹۴ با اشاره به کشورهای خلیج فارس اظهار داشت: ایجاد یک دفاع جمعی قوی و منسجم لازم است تا ایران مشاهده کند که کشورهای منطقه قادرند از خود در مقابل هر تجاوزی دفاع نمایند. آمریکا در پایان جنگ خلیج فارس با کشورهای قطر، بحرین کویت و امارات عربی متحده قرارداد دفاعی منعقد کرده است. این موافقت نامه‌ها شامل فروش تسلیحات، آموزش و استقرار برخی تسلیحات مورد نیاز نیروهای آمریکا در منطقه است. گرچه این قراردادها مجوز حضور نیروهای پیشقراول آمریکا در مقابل عراق است، اما آنها می‌توانند در کمک به کشورهای خلیج فارس در مقابل ایران نیز به کار گرفته شود. در پاسخ به مجهز شدن ایران به زیر دریایی، برخی از کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی، امارات عربی متحده و بحرین در نظر دارند که بخشی از بودجه نظامی خود را برای نوسازی نیروی دریایی خود اختصاص دهند.

فرماندهی مرکزی آمریکا در منطقه تلاش می‌کند تا ضمن منسجم ساختن نیروی دفاعی کشورهای منطقه آنها را برای پیوستن به نیروی «سپر شبه جزیره» که در عربستان سعودی مستقر است، آماده سازد. کشورهای عضو شورا در دسامبر ۱۹۹۳ تصمیم گرفتند که نیروهای نظامی خود را به سه برابر افزایش داده، شبکه دفاعی خود را ترمیم کرده، ساختار فرماندهی آن را اصلاح کنند و بر نیروی هوایی آن بیفزایند. البته بنا بر گزارش پنتاگون تصمیمات فوق به کندی اجرا می‌شود.

موافقت نامه‌های نظامی آمریکا با کشورهای منطقه از حمایت کنگره و مراکز تصمیم‌گیری برخوردار بوده است چنین روابطی به آمریکا امکان می‌دهد تا فعالیت‌های ایران را کنترل کرده، هرگونه اقدامات تجاوزکارانه را بدون حضور سنگین نیروهای خود در منطقه مهار کند. البته این نگرانی وجود دارد که روابط نزدیک آمریکا با این کشورها بتواند موجب افزایش خصومت ایرانی‌ها و طرفدارانشان در داخل این کشورها شود. بسیاری نیز نسبت به جامعیت و کارایی بنیه نظامی آنها در مقایسه با ایران اظهار تردید می‌کنند. کشورهای خلیج فارس به طور سنتی در صدد سازش با مخالفان یا دشمنان خود، نه برخورد خصمانه با آنها، بوده‌اند. این کشورها احتمالاً تمایلی به همکاری مستمر با تلاشهای آمریکا برای مهار ایران ندارند. این سؤال نیز مطرح است که آیا اسرائیل که از لحاظ جغرافیایی با ایران فاصله داشته و نگرانی‌های امنیتی ویژه خود را داراست، در اجرای سیاست آمریکا نسبت به ایران کمک می‌کند یا خیر همچنین مصر که از نظر

جغرافیایی یا با ایران فاصله دارد و نیز سوریه نتوانسته‌اند در نیل به توافق با ۶ کشور شورای همکاری خلیج فارس در اجرای طرح دفاعی مشترک مندرج در بیانیه هشت کشور دمشق (مارس ۱۹۹۱) توفیقی به دست آورند.

ترکیه عموماً تلاش کرده است رابطه خوبی با ایران داشته باشد. در دستگاه رهبری ترکیه مخالفت زیادی نسبت به همکاری با تلاشهای ایران وجود دارد. گرچه مصر خارج از منطقه خلیج فارس قرار دارد، اما خطرانی را از سوی زیر دریایی جدید ایران در حال ظهور می‌بیند مصر می‌ترسد که ایران زیر دریایی خود را به دریای سرخ اعزام کند و یا از هم پیمانش، سودان، به عنوان پایگاه استفاده کند. مصر به نوبه خود برای مقابله با این احتمال علاقه مند است که با استفاده از ۱/۳ میلیارد دلار وام بانک جهانی که آمریکا تضمین کرده است، یک یا دو فروند زیر دریایی دیزلی از ایالات متحده خریداری کند هم اکنون، مصر در صدد است دو ناوگان از آمریکا اجاره کند و هلیکوپترهای جدیدی را فراهم سازد. مصر می‌تواند از هلیکوپترهای جدید خود در مقابله با زیر دریایی‌های متخاصم استفاده کند.

فعالیت‌های ضد تروریستی آمریکا

وزارت امور خارجه در گزارش سالانه خود در ۱۹۹۳ اعلام کرد: ایران همچنان فعالترین و خطرناک‌ترین حامی تروریسم دولتی است که از طریق عناصر دولتی و گروه‌های افراطی از تروریسم حمایت می‌کند.

کابینه کلینتون مبارزه با تروریسم، بویژه تروریسم مورد حمایت ایران، را در رأس برنامه‌های جهانی خود قرار داده و آژانسهای مختلف اقداماتی را به منظور بهبود قابلیت‌های ضد تروریستی خود در پیش گرفته‌اند. در ۱۹۹۱، اف، بی، آی، واحد ویژه‌ای را در داخل بخش ضد تروریستی خود ایجاد کرد که مشخصاً بر تهدیدات تروریستی ناشی از ایران تمرکز دارد. بر اساس برخی گزارشها، بخش ضد تروریستی سازمان اطلاعاتی سیا به نیروهای ضد تروریستی خود در داخل دیگر سازمانهای دولتی افزوده است. مرکز ضد تروریستی سازمان سیا پس از ربه‌شدن هواپیمای (T.W) به وسیله تروریستهای طرفدار ایران (۱۹۸۶) تشکیل گردید. همچنین کابینه کلینتون تلاش می‌کند تا از طریق همکاری‌های چند جانبه، تروریسم ایرانی را محدود کند. مدیر بخش ضد تروریستی وزارت امور خارجه در اظهارات خود در کمیته قضایی سیای آمریکا اظهار داشت که آمریکا از طریق همکاری با متحدان خود (کشورهای هفتگانه صنعتی) و نیز دیگر دولت‌ها تلاش می‌کند تا در برخورد با تروریسم ایران یک طرح مشترک فراهم نماید. وارن کریستوفر نیز پس از انفجار مرکز یهودیان آرژانتین در ژوئن ۱۹۹۴، بر ضرورت تلاش جمعی برای مقابله با تروریسم ایرانی تأکید کرد او همچنین اضافه کرد که وزارت خارجه آمریکا موظف شده است تا روندها و ساز و کارهای خود را به منظور گسترش تلاشها و هماهنگی‌های بین‌المللی در مبارزه با تروریسم مورد بازبینی مجدد قرار دهد. موفقیت تلاشهای چندجانبه در مبارزه با تروریسم ایرانی نسبی بوده است؛ زیرا متحدان آمریکا از سازش با ایران منتفع می‌شوند. آمریکا احساس می‌کند که در تلاشهای خود برای ایجاد روش مشترک در مبارزه با تروریسم ایرانی با حضور وزیر اطلاعات ایران در خاک آلمان ناکام ماند. وزارت اطلاعات ایران سردمدار ترور دشمنان ایران در خارج از کشور است. آمریکا به منظور نشان دادن نارضایتی خود اطلاعات محرمانه‌ای را از حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی در اختیار آلمانی‌ها قرار داد. وزارت خارجه آلمان در پاسخ، اظهار کرده بود که فلاحیان به دعوت سازمان اطلاعات آلمان و بدون

تأیید و زرات امور خارجه به این کشور سفر کرده است. کابینه همچنین نسبت به تصمیم فرانسه مبنی بر استرداد ایرانی متهم به تروریسم به این کشور اعتراض کرده است.

شیوه‌های مختلف کابینه و کنگره در برخورد با ایران

کابینه و کنگره برای منزوی ساختن ایران با رسیدن به تفاهم مشترک با ایرانی‌ها به عنوان تاکتیکی برای تغییر رفتار آنها روشهای مختلفی را به کار می‌گیرد. کنگره عموماً از تلاشهای کابینه در مهار ایران حمایت می‌کند و تعداد افرادی که خواهان انعطاف‌پذیری در قبال تشدید تحریمهای آمریکا علیه ایران باشند، در صورت وجود بسیار اندک است. چاره‌های احتمالی آمریکا در قبال ایران عبارت است از:

۱ - تشدید تحریمهای آمریکا علیه ایران

در چارچوب یک برنامه وسیع‌تر شدیدترین اقدام آمریکا در قبال ایران تحریم کامل تجارت و مبادلات بانکی در کشور است، مانند تحریمهایی که در دوران گروگانگیری اعمال می‌شد، لایحه‌ای که در ۲۵ اکتبر ۱۹۹۳ سناتور «دمادو» از نیویورک به سنا ارائه کرد، حامی تحریم کامل ایران است. لایحه جامع‌تری نیز وجود دارد که تحریم کامل تجاری با ایران از جمله مبادلات ارزی را نیز در برمی‌گیرد. البته فروش اقلام مربوطه به موارد انسان دوستانه مستثناست. لایحه مزبور تنها به دلیل عدم حمایت کافی از آن حتی به مرحله طرح در کمیسیون مربوطه نیز نرسید. اقدام خفیف‌تر ممکن است ممنوعیت معاملات نفتی شرکتهای آمریکایی در خارج از آمریکا با ایران یا واردات فرآورده‌های نفتی ایران به داخل آمریکا باشد.

۲ - بین‌المللی ساختن تحریمها علیه ایران

آمریکا ممکن است از طریق سازمان ملل متحد در جهت بین‌المللی کردن تحریمها علیه ایران تلاش کند. برای مثال آمریکا می‌تواند با اعمال فشار به اعضای شورای امنیت تحریمهای خود علیه ایران را همانند تحریمهای سازمان ملل علیه عراق به تصویب رساند مشکلات بالقوه چنین اقدامی این است که رفتار ایران قابل مقایسه با عملکرد عراق نیست. متحدان آمریکا نیز احتمالاً در مقابل تحریم بین‌المللی ایران مقاومت خواهند کرد. سرانجام، آمریکا ممکن است در پی صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر محکومیت جنبه‌های خاصی از رفتار ایران (مانند نقض حقوق بشر) باشد.

۳ - مهار نظامی ایران به طور فعال

اگر چنانچه ادله کافی و روشنی حاکی از تلاشهای ایران برای دسترسی به تسلیحات کشتار جمعی به دست بیاید احتمالاً عده‌ای حمله غیر مستقیم علیه تأسیسات مربوطه را تشویق خواهند کرد. در صورت موفقیت چنان جمله‌ای، ایران ممکن است برنامه‌های خود را متوقف کند. همچنین عده‌ای ممکن است خواهان حمله به اردوگاه آموزشی ایران در سودان، ایران، لبنان و مناطق دیگر باشند. خطر نهفته در چنین حملاتی این است که موقعیت ضد آمریکایی ایران عمیق‌تر می‌گردد و احساسات مردم خاور میانه به وسیله حملاتی که نتایج محدود نظامی در پی دارد، جریحه‌دار می‌شود.

۴ - حمایت از گروههای مخالف ایران

به رغم وجود اتفاق نظر بین کارشناسان داخل و خارج دولت

آمریکا مبنی بر نهادینه شدن نظام حکومتی ایران و بعید بود سرنگونی آن از سوی مخالفان، حمایت مالی و تکنیکی آمریکا مخالفان همچنان به عنوان شق ثانوی سیاست آمریکا برای اعمال فشار بر ایران به قوت خود باقی است. البته، این مسئله برای آمریکا مشکل‌آفرین است؛ زیرا گروههای مخالفی که سنخیت بیشتری ارزشهای آمریکایی دارند دارای کمترین قدرت هستند از طرفی گروه فعال مجاهدین نیز سوابق چپی و تروریستی علیه آمریکایی‌ها را ایران دارد، گرچه طرفداران این گروه امروزه ادعا می‌کنند طرفدار دموکراسی و اقتصاد بازار هستند. بعلاوه کابینه کلینتون نسبت به حضور شاخه نظامی گروه فوق در عراق نیز حساس است. از طرفی حکومت ایران نیز بشدت نسبت به تقویت احتمالی این گروه در داخل ایران نگران است و حمایت آمریکا از این گروه می‌تواند به عنوان امر فشاری علیه دولت ایران به کار گرفته شود.

۵ - تلاشهای دیپلماتیک آمریکا برای نزدیکی به ایران

طرح تماس آمریکا با ایران به منظور بهبود روابط دو کشور چرخش از کل سیاست مهار ایران محسوب می‌شود، آمریکا در صورتی به چنین راه‌حلی متوسل می‌شود که سیاستمداران این کشور معتقد باشند که هماهنگی گسترده‌تر با متحدین آمریکا می‌تواند در تعدیل رفتار ایران مؤثر واقع شود. امکان دارد برخی افراد استدلال کنند که نزدیکی با ایران می‌تواند نتایجی داشته باشد که در چند سال پیش ممکن نبوده است. زیرا امروزه ایران بشدت بدهکار و از نظر اقتصادی ضعیف است. برخی نیز ممکن است نزدیکی به ایران را به عنوان تلاشی در جهت اطمینان از اینکه جنبشهای اسلامی مانند الجزایر و مصر، آمریکا را به عنوان دشمن قسم خود در بنیادگرایی اسلامی تصور نکنند قلمداد نمایند. امکان دارد سیاست‌گذاران آمریکا نگران باشند که نزدیکی به ایران به عنوان «چرخش» سیاسی به سمت کشوری تلقی شود که سیاست مهار دو جانبه به منظور مهار آن طراحی شده است. مانع دیگر اینکه گفتگو با ایران ممکن است از نظر سیاسی طرفداری نداشته باشد بسیاری از مردم آمریکا ایران را با بحران گروگانگیری و گروگانهای آمریکایی در لبنان قضیه ایران - کنترا درگیری دریایی ایران و آمریکا و تروریسم فرین می‌دانند.

اگر راه‌حل گفتگو با ایران مورد توجه قرار گیرد، قبل از مذاکره با ایران حصول اتفاق نظر ضروری است با توجه به اینکه وزارت خارجه آمریکا سالهاست ایران را به عنوان خطرناک‌ترین کشور حامی تروریسم می‌داند بسیار بعید به نظر می‌رسد که ایران را از فهرست حامیان تروریسم خارج کند تا مقدمات گفتگوی دو جانبه بین دو کشور فراهم شود. احتمال واقع‌بینانه دیگر این است که آمریکا اموال توقیف‌شده نمایندگی‌های ایران در آمریکا را آزاد سازد گرچه چنین اقدامی ممکن است به منزله تسلیم در برابر خواسته‌های ایران مبنی بر آزاد شدن اموال توقیف‌شده قبل از مذاکره با آمریکا تلقی شود. برخی افراد نیز در محافل دانشگاهی آمریکا تأکید دارند که محدودیتهای موجود برای شرکت دانشگاهیان ایرانی برای شرکت در کنفرانسهای داخل آمریکا باید کاهش یابد. چنین اقدامی ممکن است از سوی ایران به عنوان یک قدم مثبت در جهت روابط بهتر ارزیابی شود. البته هرگونه امتیاز پیشاپیش ممکن است با مخالفت کنگره یا افکار عمومی مواجه شود و این‌گونه تصور گردد که آمریکا با دولت‌های تروریسم مدارا می‌کند. اتخاذ موضعی که می‌تواند ایران را به مذاکره با آمریکا وادار کند با اظهارات مقامات آمریکایی که گفتگو با ایران را منوط به علنی‌بودن مذاکرات و عدم اعطای هرگونه امتیاز قبل از گفتگو دانسته‌اند، منافات خواهد داشت.